



مجلس شورای اسلامی ایران

تاسیس ۱۳۳۰

۲۰۵۲

۸۶/۱۱/۲۶

سرنوشت انقلاب اسلامی ایران

ارزیابی میزان تحقق آرمان‌ها و شعارهای مردم در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷

در ۲۲ بهمن سال ۵۷، نتیجه‌ی سه ربع قرن تلاش‌های آزادی‌خواهانه‌ی ملت ایران برای رسیدن به آزادی و استقلال، پس از انقلاب مشروطه، به بار نشست و در نتیجه‌ی وحدت عملی و همکاری و همفکری ملیون، مذهبیون، گروه‌های چپ و روشن‌فکران آزادی‌خواه، اعتصابات بازاریان، کارکنان دولت و کارگران و مبارزات مشترک دانشگاهیان، روحانیون و حمایت اکثریت قاطع ملت ایران، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، انقلابی که دستاورد تلاش‌ها و نتیجه‌ی تحمل سال‌ها زندان و شکنجه‌ی آزادیخواهان و شهادت بسیاری از آنان بود، انقلابی که قرار بود الگویی برای همه آزادی‌خواهان جهان شود و آرمان‌شهری را بنا نهد که در سال‌های بعد، مایه‌ی رشک و غبطه دیگر ملت‌های جهان باشد. اما امروز، آن مدینه فاضله‌ای که می‌بایست پس از گذشت عمر یک نسل از انقلاب پدید آمده باشد، در چه وضعی قرار دارد؟

برخی از سخنرانان حرفه‌ای این روزگار، در ارزیابی شاخص‌های پیشرفت و آبادانی، ترجیح‌بندی از دستاوردهای صنعتی را در منابع و تریبون‌های انحصاری که در دست دارند، برمی‌شمارند و تکرار می‌کنند. اما فراموش می‌کنند که در یک بررسی علمی و قابل اعتماد، میزان پیشرفت نه فقط با دستیابی به فلان تکنولوژی که با ارزیابی ضریب رشد اقتصادی و توسعه‌ی متوازن و پایدار و همچنین با میزان دستیابی به شاخص‌های عدالت اجتماعی و رفاه ملی قابل سنجش است و از این رو ضرورت دارد که این ستایشگران با مقایسه‌ی نرخهای رشد اقتصادی و صنعتی و وضعیت عمومی ایران با کشورهایمانند مالزی، ترکیه و کره جنوبی، در ۲۹ سال گذشته داوری کنند که کدام حکومت عملکردی موفقیت‌آمیزتر داشته است؟

متأسفانه باید اذعان کرد که در آستانه‌ی ورود به چهارمین دهه‌ی حیات نظام جمهوری اسلامی ایران، تذکرات و هشدارهای ناصحان و خیرخواهان نادیده گرفته شده و کشورمان در چنان بحرانی واقع شده است که خروج از آن به آسانی امکان‌پذیر نیست.

سال‌ها پس از پیروزی انقلابی که بنا بود مصادیق تبعیض و بی‌عدالتی را در میان قشرهای جامعه محو سازد و گامی در راستای جامعه‌ی عدالت محور باشد، بخشی از حکومت‌گران نوپا مدیران سابق

حکومت را که سال‌ها در مسند امور قرار داشته‌اند به ترویج فقر و فساد و تبعیض متهم می‌سازد. رییس دولت نهم جمهوری اسلامی، تقریباً در همه ی سخنرانی‌هایش، از جمله در سخنرانی ۲۲ بهمن امسال، موارد بسیاری را به عنوان شواهد وجود تبعیض و نبود عدالت بر شمرده است و با صراحت تمام، علل بروز چنین وضعیتی را تنها به عملکرد جریان سیاسی رقیب و دولت‌های پیشین منتسب می‌داند، بی آن که به دوران تصدی خود و یا شیوه‌ی حکومت‌داری طیف سیاسی هم‌سو در طی این سالیان نیز، اشاره‌ای کند.

اینک، وضعیت کنونی ایران پس از انقلاب، تنها از سوی یکی از اعضای سابق شورای انقلاب مورد تایید است و باقی اعضای آن شورا، به درجات گوناگون منتقد وضع موجودند. آیا این امر نمی‌تواند معیاری برای بررسی میزان موفقیت در دستیابی به هدف‌های تعیین شده و آرمان‌های اصیل انقلاب باشد؟

به نظر می‌رسد که تجربه‌ی نزدیک به سی سال حکمرانی بلا منازع گروهی محدود، همراه با انحصارگری و اختناق، ضمن منحرف کردن انقلابی اصیل و مردمی، که با شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" به پیروزی رسیده بود، آن را به مرز یک بن بست تاریخی و وادی عدم انطباق عمل‌کرد هیات حاکمه با آرمان‌ها و مطالبات تاریخی ملت ایران کشانده است. در آستانه دهه چهارم دوران پس از انقلاب، نهضت آزادی ایران لازم می‌داند که به یک ارزیابی فشرده از میزان تحقق هر یک از اجزای شعار یاد شده بپردازد.

استقلال

اگرچه انقلاب اسلامی موجب کوتاه شدن دست قدرت‌های بزرگ جهانی از این سرزمین اهورایی شد و در دهه نخست پس از آن نیز، در جریان جنگ تحمیلی، هزاران جوان برومند ایرانی جانشان را فدای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی میهن عزیزمان کردند، متأسفانه استقلالی که با چنین هزینه‌ای به دست آمده است، مدت‌هاست که اسیر برداشت‌ها و عمل‌کرد ناصواب حاکمانی شده است که بی‌هیچ تعارفی به حق حاکمیت ملت باور ندارند و سنگ بنای حکومتشان را برپایه نقض گسترده‌ی حقوق بنیادین ملت استوار می‌بینند. از این رو، تصادفی نیست که همسایگان این سرزمین پهناور، هم‌زمان و البته با برنامه ریزی حساب شده به مطرح کردن ادعاهای بی پایه و تهدید تمامیت ارضی ایران پرداخته‌اند. تمامیت‌خواهان حاکم، هنوز هم با درکی که بیشتر یادآور بینش‌های رایج در دوران جنگ سرد است، برخورد با ابرقدرت‌های جهانی را به عنوان مهم‌ترین روش و شاخص اصلی استقلال ارزیابی می‌کنند و در نتیجه‌ی چنین تفکری، ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناچار به پرداخت هزینه‌های بسیار سنگینی در عرصه بین‌المللی شده است.

نهضت آزادی ایران، پیش از این نیز یادآور شده بود که در شرایط کنونی بین‌المللی، حاکمیت ملی و استقلال سرزمینی با احترام دولت‌ها با حقوق اساسی ملت‌هایشان رابطه‌ی مستقیم دارد. امروز عاشقان ایران، نگران تعرض بیگانگان به مرزهای ایران و توطئه‌های استعمار نو و کشورهای بحران‌زده‌ی همسایه علیه یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران هستند. رفتارهای نابخردانه‌ی حاکمیت تمامیت‌خواه در برخورد با هم‌میهنان کرد و بلوچ و عرب، باعث شده است که، علاوه بر افزایش ضریب تهدیدات نظامی

و اعمال گسترده‌ی تحریم‌های اقتصادی و همچنین انزوای سیاسی بی‌سابقه در عرصه‌ی بین‌المللی، خطر فروپاشی جغرافیایی بیش از هر زمانی در پنجاه سال گذشته نگرانی آور باشد.

آزادی

جای بسی تأسف است که به رغم گذشت نزدیک به سی سال از پیروزی انقلاب، اصلی‌ترین خواست روشن‌فکران و فعالان سیاسی و اجتماعی در صد سال اخیر و نیز مهم‌ترین آرمان انقلاب و انقلابیون در سال ۵۷ تا امروز محقق نشده است.

دانشجویانی که در دوران سلطه نظام مطلقه‌ی سلطنتی به خاطر مبارزات آزادی‌خواهانه به زندان می‌افتادند، امروز در مقام استاد دانشگاه ممنوع‌التدریس و یا اجباراً بازنشسته می‌شوند و دانشجویان فعال امروز نیز دوره‌های فشرده‌ای را در دانشگاه اوین می‌گذرانند.

امروز کار به جایی رسیده است که حتی اعضای احزاب ملی-اسلامی که در رژیم استبدادی شاه به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و توهین به نظام شاهنشاهی محاکمه و زندانی می‌شدند، در آستانه سی سالگی انقلابی که خود در پدید آوردن و پیروزی آن نقش مؤثر داشتند، به اتهامات مشابه بازداشت و محاکمه می‌شوند و دامنه و مرز تمامیت‌خواهی این حاکمان تا حدی گسترش یافته که حتی برای خانواده و دوستداران یکی از برجسته‌ترین مبارزان دوران ستم‌شاهی و عضو شورای انقلاب و اولین نخست‌وزیر نظام نوپای جمهوری اسلامی- که حکمش را از دست رهبری گرفته بود که برگزیده‌ی بی‌واسطه‌ی ملت انقلابی بود- حق برگزاری مراسم یادبود قائل نمی‌شود.

امروزه شاهدیم که فشارهای اطلاعاتی و امنیتی نه تنها بر گروه‌های سیاسی و فعالان عرصه‌ی مطبوعات، که بر بسیاری از گروه‌های اجتماعی و نهاد های مدنی نیز افزایش یافته است و احزاب، گروه‌ها یا فعالان منفرد اجتماعی و سیاسی مورد پرسش‌های اعتقادی قرار می‌گیرند و اگر باورهای آنان منطبق بر اعتقاد و عملکرد تمامیت‌خواهان نباشد یا تفتیش‌کنندگان عقیدتی باور آنان را احراز نکنند، نه تنها از حقوق سیاسی، که در مواردی از حقوق انسانی، برخوردار نخواهند بود. اشاره به این واقعیت، جای بسی تأسف دارد که در حکومتی، که بنا به تصریح بنیانگذار آن، قرار بود کمونیست‌ها نیز حق فعالیت و اظهار نظر آزادانه داشته باشند، امروزه حتی احزاب مسلمان نیز از حداقل حقوق قانونیشان بهره‌مند نیستند.

جمهوری اسلامی

الف- رکن جمهوریت

نزدیک به ۳۰ سال پس از همه‌پرسی فروردین ۵۸- که در آن، "مردم" نظام جمهوری اسلامی را برگزیدند- تمامیت‌خواهان با صراحت منکر مشروعیت آرای مردم هستند و آشکارا از پذیرش به ناچار و از سر اضطرار "نظام جمهوری" سخن می‌گویند و دریغاً که برخی بازماندگان شورای انقلاب که هنوز بر مصادر حکومتی قرار دارند نیز، با برگزیدن شیوه سکوت، گویی بر این سخنان مهر تأیید زده، رضایتشان را اعلام می‌کنند.

انقلابی که بر آمده از آرای مردم بود، امروز با ترفند های گوناگون در انحصار اقلیتی محدود قرار گرفته

است و به رغم تاکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مفاد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، اکثریت مردم ایران را راهی به مشارکت و حضور در عرصه‌های گوناگون قدرت سیاسی نیست. اکنون، مناصب حکومتی، در سایه قوانینی نا معتبر و چه بسا نانوشته، در انحصار محافظی خاص قرار گرفته است و به اصطلاح "شیفتگان خدمت" سال‌هاست که اجازه‌ی ورود به حوزه‌ی قدرت را به هیچ دگر اندیشی نمی‌دهند.

از میان انتخابات گوناگونی که در قانون اساسی برای دخالت ملت در تعیین سرنوشت خویش دیده شده است، انتخابات مجلس خبرگان رهبری در عمل تنها به قشر روحانی وابسته به حاکمیت محدود گردیده است و در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری نیز فیلترهای غیر قانونی و تهمت‌های غیر شرعی دست اندر کاران، مانع اعمال حق حاکمیت ملت می‌شود، در حالی که با نگاهی به متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اندیشیدن به فلسفه انقلاب، که علیه نظام سلطنت مطلقه و استبداد فردی شاه صورت گرفت، و نیز با توجه به سنت امامان شیعه (ع) - که با وجود برخورداری از موهبت عصمت، همواره در انظار عمومی استغفار و طلب دوری از گناه می‌کردند، می‌توان دریافت که بانیان نظام و تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حتی رهبر نظام را که به موجب همان قانون باید فقیه جامع الشرایط و مرجع تقلید می‌بود، مصون از خطا فرض نمی‌کردند و از این رو نهادی را به نام مجلس خبرگان رهبری - که بر پایه اصل یکصد و یازدهم آن قانون وظیفه‌ای جز نظارت بر رهبری نداشت - پیش بینی کردند تا از بروز هر گونه خطای احتمالی یا عملکرد فرا قانونی رهبری جلوگیری شود. به همین علت، لازم بود که اولاً این مجلس، برآیند تمام گرایش‌های فکری ملت باشد و دوم آن که، همان‌گونه که رأی مجلس خبرگان در ابقا یا تغییر رهبری قاطع است، بتواند در ارزیابی عملکرد مجموعه‌های منصوب رهبری نیز قاطع باشد.

اما متأسفانه در خلال این مدت، نه مجلس خبرگان رهبری، نسبت به بازیابی جایگاه قانونی خود و ایفای جدی وظایف نمایندگی مردم مبتنی با ساختار حقوقی این نهاد و ظرفیت‌های قانونی آن تمایلی آشکار کرد و نه شورای نگهبان قانون اساسی، نسبت به مهم‌ترین کارکردش یعنی پاسداری از حقوق ملت برپایه اصول قانون اساسی، علاقه‌مندی نشان داد.

واقعیت این است که برای این پرسش ساده نمی‌توان پاسخی یافت که چرا هیات حاکمه - که همه ساله در سالروز همه پرسی تغییر نظام سلطنتی به جمهوری اسلامی برای انتخاب ماهیت حکومت، تبلیغاتی گسترده در مورد نتایج آن به راه می‌اندازند- امروزه مطرح کردن هر گونه درخواست برای تکرار چنان فرآندومی را با شدیدترین وجهی محکوم و در خواست کنندگان را سرکوب می‌کنند.

ب- رکن اسلامیت

در حالی که در آستانه‌ی انتخابات پیش رو، بیشتر نمایندگان دوره‌های گذشته‌ی مجلس شورای اسلامی و جمعی از وزیران دولت‌های پیشین و حتی برخی اعضای سابق شورای نگهبان و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری به اتهام عدم اعتقاد و التزام عملی به اسلام از سوی هیات‌های اجرایی و نظارت شورای نگهبان رد صلاحیت می‌شوند، چگونه می‌توان ادعا کرد که در تمامی دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دولت یا حکومتی اسلامی برقرار بوده یا حاکمانی مسلمان بر این سرزمین حکومت می‌کرده‌اند؟

در حکومتی که در آن یکی از بزرگ‌ترین مراجع تقلید شیعیان - که نقش والایی نیز در به ثمر رساندن انقلاب و تدوین نظریه حکومت اسلامی بر پایه آموزه ولایت فقیه داشت - سال‌ها به جرم انتقاد و مطرح کردن نظرات فقهی محبوس و محصور و تحت فشار باشد، چه میزان پای‌بندی به اسلام یافت می‌شود؟ در زمانی که طیف‌های گوناگون مسلمان که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به رسمیت شناخته شده‌اند، مانند برادران اهل سنت، از داشتن مکانی برای برگزاری نماز جمعه یا مسجد در برخی از شهرها، از جمله تهران محرومند، حسینیه‌ی فقرای گنابادی با خاک یکسان می‌شود و روشن‌فکران مسلمان، حتی حق برگزاری نماز دو عید بزرگ اسلامی را نمی‌یابند، تعبیر اسلامی بودن حکومت به طنزی تلخ بدل شده است.

در حکومتی که قرار بود ادامه‌ی حکومت علی (ع) باشد، و انتظار می‌رفت که حاکمانی بر مسند قدرت قرار گیرند که حتی از در آوردن خلخال از پای یک زن یهودی برآشوبند و آرزوی مرگ کنند، امروزه شاهد آن هستیم که مسلمانی به جرم دگر اندیش بودن کارد آجین می‌شود و مسلمانانی در زندان به وسیله ضابطان رسمی قوه‌ی قضاییه و ماموران حرفه‌ای و حکومتی امر به معروف و نهی از منکر به طرق مشکوک فوت می‌کنند یا در شرایطی قرار می‌گیرند که خودکشی را بهترین طریق رهایی می‌یابند، و متأسفانه هیچ مسئولی نه تنها آرزوی مرگ نمی‌کند که حتی خود را ملزم به کناره‌گیری از قدرت و یا دست کم موضع‌گیری و پاسخ‌گویی نیز نمی‌بیند.

مدعیان قرائت رسمی از دین و مذهب خطبه‌ی صریح امیر مؤمنان در باره حقوق مردم بر حاکمان را آن‌چنان تفسیر می‌کنند که بیشتر به نظرات خلیفه سوم، آن‌گاه که ابوذر غفاری و عمار یاسر را به علت اعتراض آنان به عملکردش به ضرب و شتم و تبعید محکوم ساخت، شباهت دارد.

در آستانه سیمین سال حضور فقها بر مصدر حکومت، برخی از روحانیان به اتهام اظهار نظر به خلع لباس و زندان محکوم می‌شوند و فقهایی که در دوران مبارزه و انقلاب از "قاعدين" بودند، با ژست "مجاهدين"، منتقدان را تکفیر می‌کنند.

دستگاه‌های امنیتی مصداق "رحماء بینهم" را در مورد مفسدان اقتصادی می‌دانند و، در مقابل، "اشداء علی الکفار" را متوجه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در سراسر کشور تفسیر می‌کنند. نتیجه‌ی چنین برخورد هایی آن است که کسانی که میلیاردها تومان از بیت المال اختلاس کرده‌اند با وثیقه یا بی‌وثیقه در انتظار تشکیل دادگاه و صدور احکام سبک یا قابل خرید خنده‌ی تمسخر بر لب دارند، ولی نهاد انجمن‌های اسلامی تخریب می‌شود و دانشجویان عضو آنها، به اتهاماتی که حتی از سوی دادگاه نیز رد شده است، برخلاف قانون، در زندان می‌مانند.

نهضت آزادی ایران بر این باور است که فراتر از شعار ارزشمند و فراگیر "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" گسترش اخلاق مهم‌ترین آرمان و ارزش انقلاب اسلامی بود، آرمانی که با کمال تأسف و دردمندی باید به شکست در دستیابی به آن اعتراف کرد.

رشد روزافزون طلاق، اعتیاد به انواع مواد مخدر و مسکرات، فروپاشی هنجارهای دینی و اخلاقی متداول در خانواده‌ها، آمارهای وحشتناک تجاوز و قتل که هر روز صفحات روزنامه‌ها را پر می‌کند. آمار خجالت‌آور رشد مهار نشده‌ی ویروس HIV مثبت (ایدز)، حتی در مذهبی‌ترین شهرهای کشور، رشد بی‌سابقه و فزاینده فساد اداری در لایه‌های مختلف حکومت نشان‌گر سقوط اخلاق در جامعه و عدم

توفیق عموم دولتهایی است که در پی یک انقلاب اصیل و مردمی با خواسته‌های کاملاً فرهنگی روی کار آمدند و بی‌گمان، یکی از مهم‌ترین علل این ناکامی را در تفکر رسمی و حاکم " همه با من " و ممانعت آحاد ملت از دستیابی به حقوق بنیادینشان، باید سراغ گرفت.

در خاتمه، لازم به یادآوری است که به رغم نقش مثبت و پیش‌برنده‌ای که ماهیت انقلاب اسلامی در تاریخ این سرزمین ایفا کرده است و دستاوردهای غیر قابل انکار آن، نظیر سازندگی، ارتقای بهداشت عمومی، رشد آگاهی سیاسی، افزایش میانگین سطح تحصیلات علمی و دستیابی به برخی فن‌آوری‌های مدرن، پوشیده نمی‌توان داشت که دستیابی به این سطح از پیشرفت، در خور آن حرکت عظیم، شعار های انقلاب و مطالبات و نیازهای مادی و معنوی ملت شریف ایران و سرمایه‌ها و ظرفیت‌های مالی و انسانی جامعه‌ی ایرانی ارزیابی نمی‌شود و متأسفانه امروز، کشور ما با نقطه‌ی مطلوب و چشم‌انداز واقع‌بینانه‌ای که طی این سی سال باید به آن می‌رسید، فاصله‌ی فراوانی دارد.

از این رو نهضت آزادی ایران خیرخواهانه و فروتنانه تمامی نقش آفرینان و علاقه‌مندان به آرمان‌های اصیل انقلاب ۱۳۵۷ و دل‌سوزان ایران را فرا می‌خواند تا برای پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب و حفظ حرمت خون همه شهیدان و ایثارگران راه آزادی و استقلال کشور، با بررسی عمیق وضع موجود، از رشد این روند انحرافی و گسترش شکاف ملت- دولت و رسیدن به نقطه‌ای که گریز از بحران ناممکن شود، به موقع جلوگیری کنند.

به نظر نهضت آزادی ایران، برون رفت از بحران‌های یاد شده نیازمند عزم و جهاد منسجم ملی است و تنها با یاری خداوند و در پرتو حاکمیت ملت و تحقق حقوق و آزادیهای اساسی مردم، مقدر خواهد شد. والعاقبه للمتقین.

نهضت آزادی ایران